

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای ۴۶ (عید فطر و روز جمعہ)
جلسہ ۰۱

۱۳۹۷/۰۴/۱۱

■ شباهت جمعه و فطر

■ حضور در جماعت مؤمنان، شرط بهره‌مندی از

جمعه و فطر

■ چند نکته درباره‌ی نماز جمعه

■ دعایی ویژه برای ارتباط و انس با حضرت حق

■ تربیت اسمائی، بهترین روش تربیتی

شباهت جمعه و فطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَدِّمَهُ

چه در عید فطر و چه در روز جمعه، یوم الفتح معنوی برای انسان از دو جهت هست؛ یکی از جهت باطن و ملکوت این قطعه از زمان که روز اول ماه مکرم سوال، از نظر ظرفیت معنایی و جنبه‌ی ملکوتی، روزی ممتاز است. روز جمعه هم دارای ظرفیت باطنی متفاوتی است. انسان مؤمن با هوشمندی و کیاست و زیرکی، خود را به آن باطن می‌رساند و از آن ظرفیت ممتاز که از کرم حضرت حق غنی شده است، بهره‌برداری می‌کند.

جهت دوم مسئله هم که مرتبط با جهت اول است، عبارت از اینکه چه در عید سعید فطر و چه در روز جمعه، نوعی مراجعه‌ی مجلد و جمع‌بندی وجود دارد. شما در عید سعید فطر به مسیر طی شده در ماه مبارک رمضان برمی‌گردید و نوعی بازگشت و

«وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَامَ قَائِمًا ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ: يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ وَ يَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا يَقْبَلُهُ الْبِلَادُ وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلْحِنِينَ عَلَيْهِ وَ يَا مَنْ لَا يَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَةِ عَلَيْهِ».

در بدرقه‌ی ماه مبارک رمضان عرض کردیم که دعای ۴۵ را داریم و آن دعای امام در وداع با ماه مبارک رمضان است و دعای ۴۶ را داریم که دعای عید سعید فطر است. البته طبق همان عنوانی که معرفی شده، دعایی است که حضرت در روز جمعه هم می‌خواندند.

می‌افتد. اگر شما مطالعه کنید، رمز و راز موجود در نماز جمعی را که با محوریت امام (علیه السلام) در عصر حضور امام و با محوریت نائب امام یا با اذن او در عصر غیبت برگزار می‌شود، می‌بینید.

اینجا نکته‌هایی وجود دارد که نمی‌خواهم به آنها بپردازم؛ اما یکی از آنها این است که در زمان حضور امام معصوم، شرکت در نماز عید فطر واجب است. در عصر غیبت، فقها در مورد برگزاری نماز عید فطر، مباحثاتی دارند. برخی برگزاری جمعی آن را اجازه نمی‌دهند و می‌گویند در منزل به صورت دعا بخوانید و بعضی برگزاری جمعی آن را اجازه می‌دهند و می‌گویند رجاء بخوانید. از این تعبیر معلوم است که فقیه به این نتیجه نرسیده که به جماعت خوانده شود. یک فرض خاص دارد و آن هم عصر بسط ید فقیه و با حضور

مرور و جمع‌بندی دارید. معنای این جمع‌بندی آن است که با چه برنامه‌ای می‌توان آنچه در ماه مبارک رمضان فراهم آمده است، در طول سال امتداد داد. در مورد جمعه هم همین امتداد معنوی وجود دارد و انسان برای طول هفته جمع‌بندی می‌کند تا ان‌شاءالله به جمعه‌ی بعدی برسد.

حضور در جماعت مؤمنان، شرط بهره‌مندی از جمعه و فطر

نکته‌ای که در هر دو جهت مذکور قابل توجه است و عزیزان باید آن را به خاطر بسپارند، اینکه هم در عید فطر و هم در عید جمعه (که از اعیاد اربعه است)، توزیع لطف خاص و ویژه‌ی حضرت حق به سالکین که منازل را پشت سر گذاشته‌اند، در جمع و اجتماع مؤمنان اتفاق می‌افتد. این توزیع لطف، در هر دو فرض، در اجتماع بر محور ذکر، یعنی نماز اتفاق

پس یک اجتماع بر محور امام و نماز جمعی شکل می‌گیرد که شکوه و صلابت و عظمت خاصی دارد و جای کار هم دارد. دوستان ما امسال در تهران، در ارتباط با ائمه‌ی جماعات بیشتر فعالیت کردند و بیان داشتند که در زمان برگزاری نماز توسط امام مسلمین، برگزاری دعای جمعی در مسجد، مناسب نیست و باید خودتان را به آن نماز برسانید. برای سال بعد باید خیلی وسیع‌تر و زودتر کار کنند تا مردم متوجه شوند. طعم واقعی نماز عید همان است که در مصلی و با امامت آقا استشمام می‌شود. آنجا انسان از نزدیک، عنایات حضرت ولی‌عصر را احساس می‌کند. جمع و پخش شدن مردم در آنجا، جلوه‌های نزول رحمت و عنایت الهی است که خیلی شیرین است. من خودم وقتی ماه رمضان تمام می‌شود، امیدم این است که عمری باشد و ماه

فقیه جامع‌الشرایط است که امام مسلمین می‌باشد. مبنای خود ما جواز برگزاری جمعی با اذن ولی یا با حضور ولی امر است. نماز عید سعید فطر تهران، در حضور ولی امر است که نوعی پدیده محسوب می‌شود و حتی من دیده‌ام که انسان‌های زرنگ، خود را از استان‌های دیگر به آن می‌رسانند. گویا این راز برای این افراد معلوم شده است.

اگر از نماز با حضور ولی تنزل کنیم، مرتبه‌ی بعدی همان نمازی است که در مراکز استان‌ها یا شهرهای دارای امام‌جمعه برگزار می‌شود که منصوب نایب امام هستند.

اگر انسان بخواهد خیال خود را راحت کند، روز عید سعید فطر باید خود را به نمازی برساند که با محوریت امام مسلمین برگزار می‌شود.

چند نکته درباره‌ی نماز جمعه

در مورد جمعه هم همین‌طور است. آن لطف خاص الهی که ذیلش فتوحات معنوی و گشایش‌های باطنی است، در جمع و در نماز حاصل می‌شود. نماز جمعه خیلی شبیه نماز عید فطر است. در مورد نماز جمعه تصریح شده که با حضور امام معصوم، واجب است و با نائب امام، تعریف آن واضح است و در مورد بقیه هم با نصب امام، معنا پیدا می‌کند. فقها نسبت به نماز جمعه، نگاه سختگیرانه‌تری دارند و معتقد هستند که امام جمعه حتماً باید منصوب باشد. در این بخش، بین ما و برادران اهل سنت تفاوت وجود دارد. از نظر آنان، هر جا نماز جماعتی هست، روز جمعه تبدیل به نماز جمعه می‌شود. روز جمعه، عید بهره‌مندی از سرّ زمان در پرتو نماز جمعه است.

مبارک رمضان را درک کنیم تا به عید سعید فطر برسیم و در نماز آقا حاضر شویم؛ چراکه آنجا است که انسان احساس می‌کند پذیرفته شده است و جلوه و ظهور بندگی محقق می‌شود.

در آنجا احساس این است که جماعت حاضر، باریافته و بهره‌مند هستند. پس من هم خودم را همراهشان می‌کنم تا از برکت عنایت و لطفی که به آنها می‌شود، بهره‌مند شوم؛ لذا می‌گوییم: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ»؛ [۱] پروردگارا، ما را با آنان که هدایتشان کردی، هدایت کن و با آنان که عافیتشان دادی، عافیت ده». چیزی که این اطمینان‌خاطر را در انسان تقویت می‌کند، حضور امام المسلمین است. این نماز، واجب نیست؛ اما در قله‌ی استحباب قرار دارد و مستحب مؤکد بالمعنی الاخص است.

مورد این شخص هم مصداق دارد؛ زیرا او نیز مأذون است.

البته باید گفت ترجیح بین نماز جمعه و نماز ظهر، عادی نیست و آنقدر استحباب و ترجیح نماز جمعه تأکید می‌شود که نزدیک به وجوب است و برخی تصریح کرده‌اند که قائل به وجوب تعیینی نماز جمعه هستند. طبق این قاعده خود این فقها و مقلدان ایشان باید در نماز جمعه شرکت کنند. الان هم محیط نماز جمعه برای بیشتر ملت ایران فراهم است و حتی در بخش‌ها و شهرهای کوچک، نماز جمعه برگزار می‌شود. ذوق خود من هم ذیل همان وجوب تعیینی است، به همین دلیل هر هفته در نماز جمعه حاضر می‌شوم.

برداشت عملی جلسه‌ی ما از این نکته‌ی خاص آن است که توزیع عنایت خاص الهی (به تعبیر

در مورد نماز جمعه، از نظر فقهی، مباحثات خاصی جریان دارد و جواز آن در عصر غیبت تقریباً نظر اکثر قریب به اتفاق فقها است. در این بین، در مورد وجوب تعیینی یا تخیری، اکثر فقها قائل به وجوب تخیری هستند. شما بین شرکت در نماز جمعه یا نماز ظهر، مخیر هستید و از مصادیق ویژه‌ی وجوب تخیری، همین تخیر بین نماز ظهر و نماز جمعه است. همان کسانی هم که می‌گویند مخیر هستید، می‌گویند این کجا و آن کجا؟! اگر کسی بتواند در نماز جمعه شرکت کند و بهره‌مند شود، از همه‌ی حظ و بهره‌ای که در نماز جمعه‌ی همراه با امام معصوم تعریف شده، بهره‌مند است؛ هرچند در عصر غیبت باشد و پشت سر یک امام جمعه‌ی معمولی نماز بخواند. روایات در باب نماز جمعه، در

روایات، جوایز) در این اعیاد، در نماز رخ می‌دهد. فکر نمی‌کنم بنا بر این قاعده، شما حاضر شوید که حتی یک نماز جمعه غیبت کنید و اگر غیبت کنید، خودتان را نخواهید بخشید؛ مگر اینکه در شهر نباشید یا بیماری که باعث افتادگی باشد، برای شما رخ داده باشد. عذرهایی نظیر میهمان داشتن یا فاصله داشتن یا دیر شدن و ... پذیرفتنی نیست. من از بدبختی شنیدم که می‌گفت یک روز تعطیل داریم، آن را هم برویم نماز و برگردیم! در وجود برخی این میزان از حماقت وجود دارد. آنها اصلاً توجه ندارند که جمعه با نماز جمعه درست می‌شود. ما الان گرفتار حجاب‌های متعدد هستیم و وقتی پرده را کنار بزنند، ارزش نماز جمعه معلوم می‌شود. من نمی‌گویم شما هم قائل به وجوب تعیینی شوید. شما از مرجع خودتان تقلید می‌کنید و اکثر آقایان قائل به وجوب تخییری هستند. بحث ما یک بحث معرفتی و حَبّی و ولایی است که بالاتر از جنبه‌ی فقهی مسئله قرار می‌گیرد. عدم حضور در نماز جمعه، از مصادیق حسرت عظمی و خسارت‌های غیرقابل جبران است. اگر یک جمعه شما نباشید، نمی‌توانید آن خلأ را جبران کنید.

برخی می‌گویند آیا امام جمعه عادل است یا نیست؟ یا می‌گویند من خطبه‌ی فلانی را دوست دارم و خطبه‌ی فلانی را دوست ندارم. اینها وسوسه‌های شیطانی است. اگر کسی از مصدر اصلی منصوب شد، برای اقامه‌ی نماز جمعه مأذون است و شما با تکیه بر همین توثیق، با طیب خاطر شرکت کنید و بهره ببرید. اگر خطیب، برجسته و خاص بود، از افاضات معرفتی و معنوی و موعظه‌های او استفاده کنید و اگر

نماز جمعه را پیش‌بینی کنید و این توفیق را از دست ندهید.

در مورد نماز عید فطر از همین الان نیت داشته باشید که اگر ماه مبارک رمضان بعدی زنده بودید، خود را به تهران برسانید و پشت سر امام مسلمین، اقامه‌ی نماز کنید. اگر نشد، در مراکز استان و شهرها و پشت سر مأذونین، اقامه‌ی نماز عید کنید.

اگر توفیق نماز عید فطر یا جمعه نصیب حال شما شد، دعای «يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ» را بخوانید که از منشئات امام است.

از مهم‌ترین مستندات نماز جمعه، آیه‌ی نهم سوره‌ی جمعه است که به‌صراحت بیان می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ

خطیب، معمولی بود، در نماز و در جمع مؤمنین شرکت کرده و از آثار خاص آن بهره‌مند شده‌اید.

البته ما در حوزه‌ی مأموریتی خودمان، وظیفه‌ی سنگینی داریم که به جای خود محفوظ است. باید سعی کنیم با انتخاب‌های صحیح و توجه به ذائقه‌ی مردم و جوانان، کاری انجام دهیم که اقبال عمومی به نماز جمعه بیشتر شود و اگر کوتاهی داشته باشیم، جرم سنگینی در پیشگاه حضرت حق خواهیم داشت. اما از آن طرف مسئله، مراقب باشید گرفتار وسوسه‌های شیطانی نشوید و با نشاط و فراهم کردن مقدمات، حضور پیدا کنید و فیض ببرید.

پس آقایان و خانواده‌هایشان نماز جمعه را ترک نکنند و ان‌شاءالله هیچ‌وقت به اضطرار مریضی و ... نیفتید. حتی اگر مسافر هم هستید، حضور در

دعایی ویژه برای ارتباط و انس با حضرت حق

دعای ۴۶ صحیفه را که جلسه‌ی قبل در مورد آن تعبیری داشتیم، باید خیلی قدر دانست. دعایی شیرین است و در برقراری ارتباط با خدای متعال و ایجاد انس و رفاقت با حضرت حق، سهم عجیبی دارد؛ مخصوصاً اگر بعد نماز جمعه یا نماز عید فطر خوانده شود. وقتی به شروح نگاه می‌کنید، درک می‌کنید که خیلی عالی است.

من چند جمله از کلمات نورانی آن را شرح می‌کنم تا ببینید چقدر جالب و شیرین، جمال حضرت حق را توصیف می‌کند.

کلمه‌ی «يَا مَنْ» زمینه‌سازی می‌کند برای ارائه‌ی شرحی بر جمال حضرت حق. حضرت می‌فرماید: «يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ

خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است». این آیه بیانگر رفتن عادی نیست و از شما شتاب می‌خواهد.

خدا ما را قدرشناس این نعمت بزرگ قرار دهد که به برکت انقلاب اسلامی و خون شهدا فراهم شده است. قبل از انقلاب، غیر از یکی دو شهر، نماز جمعه نداشتیم. مثلاً در قم، حضرت آیت‌الله العظمی اراکی، نماز جمعه‌ی مختصری با شرکت خواص داشتند یا مثلاً شنیده‌ام که در لار برخی بزرگان آنجا اقامه‌ی نماز جمعه می‌کرده‌اند. در مورد نماز عید فطر هم قبل از انقلاب این حضور و اجتماع عظیم و سیل جمعیت و شکوه نبود.

دیگر نمی‌تواند کاری بکند. در هر یک از این دو حالت وضعیتی پیش می‌آید که دیگر «لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ». العباد هم به معنای عام خود، از نزدیکان و دورترها و ... آمده است. این نقطه، نقطه‌ی آغاز رحمت حق تعالی است و وقتی همه‌ی درها به روی شخص بسته شد، باب رحمت الهی به روی او گشوده می‌شود.

جمله‌ی بعدی هم همین است، اما لطافت تعبیر دارد: «وَايَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ»؛ کسی را که هیچ‌جا قبول نمی‌کنند، خدای متعال قبول می‌کند. اینجا بلاد به معنای اهل البلاد است و از باب مجاز است. انسان رسوا شده را هیچ‌جا قبول نمی‌کنند؛ اما اگر از خدا پذیرش بخواهد، او قبول می‌کند. این، نوع متفاوتی از تحریر رحمت و لطف پروردگار متعال نسبت به بندگان است.

لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ؛ این اولین جمله است که به لطف حق و رحمت الهی اشاره دارد. نکته‌ای که اینجا مورد تأکید است آنکه رحمت الهی، عام و شامل و فراگیر و بی‌اتها، در عرض و طول و وسعت و شمول و دوام است و شامل همه می‌شود؛ حتی کسانی که خودشان باور نمی‌کنند. حضرت برای اینکه این موضوع را به ما نشان دهد، از عبارت «مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ» استفاده شده است. دیگران که به ما لطف می‌کنند - فارغ از اینکه از آن خودشان نیست - از سر محاسبه و از روی انگیزه است و به دلیل رفاقت یا رابطه‌ی پدر و فرزندی و لطف سابق و ... انجام می‌شود. با وجود همه‌ی انگیزه‌ها، گاهی حتی آنکه منبع این لطف است، نظیر مادر، انگیزه‌ی خود را از دست می‌دهد و فرزند خود را عاق می‌کند. گاهی هم آن شخص،

اما در ارتباط با حضرت حق و از منظر عرض حاجت، خصوصیت او این است که کسانی که حاجتی به سوی او دارند، نه تنها کوچک و تحقیر نمی‌شوند، بلکه عزت و کرامت به دست می‌آورند؛ حتی تا آنجا می‌رسد که فقر برای فقیر، وسیله‌ی عزت می‌شود و سؤال برای سائل، وسیله‌ی شکوه و مایه‌ی افتخار. از همین رو سرور کائنات فرمود: «الْفَقْرُ فَخْرِي»؛ [۲] فقر مایه افتخار من است». خداوند نیز در معرفی ما می‌گوید: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَيَّ اللَّهُ»؛ [۳] شما به خدا نیازمندید».

هرکس نیاز بیشتری به درگاه احدیت داشته باشد، غنی‌تر و آبرومندتر است. انسان کامل، کمال فقر و فقر کامل است. در سلوک الی الله تعالی اگر در صراط مستقیم باشیم، هر قدم که جلو می‌رویم، به فقر توسعه‌یافته‌تر و بالاتر دست پیدا می‌کنیم. عبارت

حضرت در ادامه می‌فرماید: «وَأَيُّهَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ». در روابط انسانی، از صدر تا ذیل و در جمیع انواع و اقسام آن، وقتی نیاز و حاجت به سمت کسی برده می‌شود، حتی اگر طرف، کریم‌الطبع و اهل پذیرش باشد، تو در عرضه‌ی حاجت به او، احساس خوبی نداری. خود حاجت و درخواست، برای کسی که می‌خواهد عرضه کند، کاهنده است. به همین دلیل در صدقه و انفاق می‌گویند کسی مورد عنایت است و عمل او در ساحت قدس کریم، پذیرش می‌شود که بدون عرض سؤال، سراغ رفع نیاز برود. کریم مطلق بدون عرض سؤال سراغ رفع نیاز می‌رود. سرش این است که در سؤال کاهش شخصیتی وجود دارد. گاهی انسان می‌بیند که طرف مقابل نه تنها کریم نیست؛ بلکه سؤال و درخواست شخص را وسیله‌ی تحقیر قرار می‌دهد.

و اصرار است و این الحاح، به معنای عرض فقر مؤکد به درگاه خدای متعال است که خیلی به ادب بندگی نزدیک است. حتی در مورد خواسته‌های مادی این الحاح در درگاه خدای متعال مناسب است؛ ولی ملاحظه‌ای دارد و آن اینکه به جایی نرسد که به خلاف ادب بندگی منجر شود.

تربیت اسمائی، بهترین روش تربیتی

مؤمن به حسب مراتب ایمان خود، خلیفه‌ی الهی در اسما است. شاید هیچ روشی در روش‌های تربیتی بهتر از تربیت اسمائی ذیل خلافت الهی نباشد. شما خلق شده‌اید برای اینکه از اسماء الهی نصیب داشته باشید و هرکس نصیب بیشتری داشته باشد، سهم بیشتری از فلسفه‌ی آفرینش دارد. مثلاً اگر نام حضرت حق، علیم است، باید سهم تو از

«لا یحتقر» به آن معنا است که سائل تکریم می‌شود و هرچه تعداد درخواست‌هایش بیشتر باشد، مقرب‌تر و مکرم‌تر است.

«وَايَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُخْلِحِينَ عَلَيْهِ»؛ الحاح به معنای اصرار است. در ساحت کرم و لطف و رحمت و غنای الهی، الحاح پسندیده است. در مورد دیگران، الحاح و اصرار بر حاجت، مخصوصاً اگر همراه با ناامیدی باشد، شخصیت انسان را نابود می‌کند. اما در مورد خدای متعال، هیچ وقت اصرار با ناامید کردن روبرو نمی‌شود و با این اصرار، رتبه‌ی شخص بالاتر می‌رود. امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه‌ی مبارکه، دعایی به نام دعای الحاح دارند که روش اصرار در درگاه حضرت حق را آموزش می‌دهد و اساساً صحیفه فضای چنین آموزشی است. یکی از آداب دعا و عرض حاجت، الحاح

شناخت ولی کامل ندارد و اگر کسی بخواهد به خداشناسی برسد، مسیر امن و نزدیک از طریق ولی کامل خواهد بود.

پس هر یک از ما باید از رحمت و کرم و مغفرت و عظمت و علم و حلم الهی سهم داشته باشیم.

اگر دست کسی به جایی نرسید و تو در مرحله‌ی خلافت دنبال کار او باشی، خیلی تقرب پیدا خواهی کرد. گفته‌اند اگر کسی به دادِ یتیم رسید، خیلی تقرب پیدا می‌کند؛ تا آنجا که نبی اعظم (صلی الله علیه و آله) در حال نشان دادن دو انگشت اشاره‌ی مبارکشان فرموده است: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ»؛ [۶] من و سرپرست یتیم در بهشت مانند این دو هستیم». یتیم کسی را ندارد و در دوران بچگی، پشتوانه‌ی خود را از دست داده است. اگر پدر بود برای او تحصیل و سلامتی و تغذیه

علیم فراوان باشد یا چنانچه نام او کریم است، باید سهم تو از کرم فراوان باشد. این تا آنجا می‌رسد که ولی کامل خیال ما را راحت می‌کند و می‌فرماید:

«نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»؛ [۴]

به خدا سوگند، ما نام‌های نیکوی خداوند هستیم». ولی کامل، خلیفه‌ی مطلق خداوند و

مظهر اسمای الهی است. بهترین راه ولی شناخت کامل هم،

شناخت او از منظر خلافت حق

است. آن وقت اگر ولی کامل

فرمود: «نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ

بَعْدُ صَنَائِعُنَا»؛ [۵] ما پرورش‌یافته

پروردگار هستیم و نظام هستی

پرورش‌یافته ما است»، دیگر

شما تعجب نخواهی کرد. البته

در برخی نسخه‌ها «صنائع لنا»

آمده که هر دو از جهت تطبیق

صحیح است و هر یک، لطفی

دارد. اگر کسی از این طریق وارد

شد، ابوابی از معرفت الهی برای

او گشوده می‌شود که راهی جز

مطالبی از این دست فراوان نقل شده است. در مورد حضرت رضا (علیه السلام) هم نقل سید خراسانی را شنیده‌اید. سلیمان نقل کرده است که ما نشسته بودیم و شخص خراسانی وارد شد و عرض حاجت کرد و گفت: من فقیر نیستم اما توشه‌ی سفر را از دست داده‌ام و ابن السبیل شده‌ام. حضرت به او فرمودند:

بنشین. سلیمان می‌گوید: حضرت بحث و مباحثه را ادامه دادند و صبر کردند تا جلسه تمام شد و دیگران رفتند. بعد دیدم حضرت به اندرونی رفتند و چند لحظه بعد فرمودند: «این الخراسانی؟».

مرد خراسانی جلو رفت و حضرت از پشت در، کیسه‌ای به او تقدیم کردند. خراسانی تشکر کرد. حضرت فرمودند: نیازی نیست این را به ما برگردانی یا صدقه بدهی. سلیمان می‌گوید: به حضرت گفتم پول حسابی به او دادید، ولی چرا نگذاشتید

و مسکن و ... فراهم می‌کرد. یتیم کسی را غیر از خدای متعال ندارد و اگر شما به خلافت حضرت حق، این نیاز او را پوشش بدهی، خیلی جلو رفته‌ای. حال ببینید ما چه فرصت‌هایی را از دست می‌دهیم! باید سلامت و تربیت و جهیزیه‌ی یتیم را تا حد توان بر عهده گرفت.

بعضی‌ها هستند که خرد می‌شوند و کسی آنها را تحویل نمی‌گیرد و با آنها راه نمی‌رود؛ اگر تو توانستی او را قبول کنی، ذیل اسم حضرت حق می‌روی.

خوش به سعادت کسانی که در زندگی مصداق اسم «يَا مَنْ لَا يَحْتَفِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ» هستند و این قدر شیرین و کریم‌الطبع هستند که درخواست‌کننده، احساس کوچکی نمی‌کند. در سیره‌ی اولیا و مخصوصاً در مورد خود امام سجاد (علیه السلام)

شما را ببینند؟ حضرت فرمودند: نمی‌خواستم احساس شرمندگی سؤال را در او ببینم؛ چراکه انسان آبرومندی بود. انسانی که خودش آبرومند است و به دیگران عطا می‌کند، درخواست برای او خیلی سنگین‌تر است. کسی که در تمام روز، خانواده و دوستان و نزدیکانش را تحقیر می‌کند، سهمی از «يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ» ندارد. هرچه نسبت شما در عواطف و رحمت و تکریم بیشتر شود، سهم شما در خواندن خدای متعال با این اسامی بیشتر می‌شود و این قاعده‌ی دعا است. اگر شما با آن نام، نسبت و تلائم (سازگاری) پیدا کنید، سهم شما از آن نام و از آن اشراق بیشتر خواهد شد. مثلاً کسی که خدای متعال را با نام حلیم می‌خواند، خودش هم از حلم نصیب دارد و هرچه

سهم او بیشتر باشد، تلائمش با این نام الهی بیشتر می‌شود و پاسخ بیشتری پیدا می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» [۷] و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید». در ادب خواندن خدا با این اسامی، اهل معرفت می‌گویند ادب به این است که تو از اسمی که با آن خدای متعال را می‌خوانی، سهم داشته باشی. این دعای مبارک، از غرر دعاها است و اگر ما هیچ دعایی غیر از همین دعا از صحیفه نداشتیم، باید یک عمر خودمان را مدیون امام سجاد (علیه السلام) می‌دانستیم که چنین بابی برای ما گشوده است. دوستان این دعا را قدر بدانند و با آن انس بگیرند و همدیگر را دعا کنند.



منابع و مأخذ

- [۱]. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹.
- [۲]. همان، ج ۶۹، ص ۳۰.
- [۳]. فاطر: ۱۵.
- [۴]. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۳.
- [۵]. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.
- [۶]. محدث نوری، مستدرک السائل، ج ۲، ص ۴۷۴.
- [۷]. اعراف: ۱۸۰.





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر